



مقدمه‌ای بر ضرورت و روش فقه الاجتماع از منظر برخی از فقهای معاصر شیعه

پدیدآورنده (ها) : موسوی، حج تالاسلام‌والمسلمین سید مهدی

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۲۳

صفحات : از ۲۱۵ تا ۲۲۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1745568>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- کنکاشی در چیستی فقه الاجتماع
- جایگاه قرآن در مبانی فقه امامیه و شافعی
- بایسته‌های حکم‌شناسی در فقه‌الاجتماع (روش‌شناسی استنباط علم‌الاجتماع از قرآن) خلاصه و جمع‌بندی ۵ جلسه درس خارج فقه‌الاجتماع استاد شیخ احمد مبلغی
- مبانی فقهی مصلحت و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی
- آزادی بیان و مبانی و گستره آن از دیدگاه فقه و حقوق
- مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن
- روش شناسی فقه سیاسی شیعه
- نقد و معرفی کتاب: اخلاق و سیاست (اندیشه سیاسی در عرصه عمل)
- راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)
- پدیدار شناسی جایگاه امامت و مقامات امامان علیهم السلام در عقاید عبد الله بن ابی یعفور
- نهادگرایی در اندیشه و عمل شهید بهشتی

عناوین مشابه

- توازن اصل آزادی تحصیل دلیل با قاعده استثنایی (بی اعتباری ادله تحصیلی به روش غیر قانونی) از منظر فقه، حقوق ایران و حقوق غرب (با تأکید بر آمریکا و آلمان)
- سیستم قضایی خصوصی به روش قاضی تحکیم از منظر فقه شیعه
- تعهدات متبایعین دربیع از منظر فقه شیعه با تطبیق بر قانون تجارت ایران و مصر
- مناسبات فقه و سیاست از منظر سه دیدگاه وکالت، نظارت و ولایت فقیه با تأکید بر دوره ی معاصر
- بررسی حکم وضعی و تکلیفی کلاهبرداری از منظر فقه امامیه با تأکید بر آیات قرآن کریم
- هنجارهای آغاز سنتی ارتباطات میان‌فردی در شرایط بیماری‌زایی مسری (با تأکید بر COVID-۱۹) از منظر فقه ارتباطات سلامت
- تحلیل عملکرد برخی از شاخص‌های خدمات شهری و عوامل اجتماعی- فرهنگی بر جامعه معلولین با استفاده از روش بسط فازی چانگ (مطالعه موردی: شهر بندر ماهشهر)
- مقایسه تفسیر آیات ۵ طه و ۲۲ و ۲۳ قیامت با تأکید بر روش شناسی فهم متشابهات از منظر قاضی عبدالجبار و ابن شهرآشوب
- تروریسم از منظر فقه شیعه و مصادیق حقوقی آن در عرصه حقوق بین‌الملل
- تبیین الگوهای مطرح در معماری معاصر ایران بعد از انقلاب؛ از منظر تعامل اصالت و نوآوری با تأکید بر جغرافیای ایران



مقدمه‌ای بر ضرورت و روش فقه الاجتماع از منظر برخی از فقهای معاصر شیعه

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی موسوی*

شکل می‌گیرد، و اگر شرایط جامعه امروز و مناسبات اجتماعی تغییر کرده است و اگر فقه پاسخ‌گویی بیان چگونگی رفتار و کنش و هنجارهای مکلفان در چنین بستر و شرایطی است، ضرورت دارد که با تقویت بنیان‌های کلامی و اصولی آن و تکثیر مسائل و موضوعات جدید، مرحله نوینی از فقه مکتب اهل‌بیت(ع) آغاز شود؛ مرحله‌ای که راه آن را بزرگان و فقهای بزرگی چون امام خمینی، علامه طباطبائی، شهید مطهری، شهید سیدمحمدباقر صدر و آیت‌الله خامنه‌ای گشوده‌اند و بایسته است که این روند به نهضتی علمی و معرفتی، با حفظ اتقان فقهی و روش کاملاً اجتهادی در حوزه‌های علمیه تبدیل شود.

هویت دانش فقه و چیستی تحول در فقه

دانش فقه، بیشترین ارتباط را با زندگی و معیشت مردم داشته و به تنظیم و تبیین سطوح مختلف رفتارها و کنش‌های آدمی معطوف بوده است. به تعبیر فارابی فقه معطوف به «آن کارهایی است که برای سیاست و ستایش خدای بزرگ انجام می‌شود، یا کارهایی که به رفتار مردم و معاملات مدنی آنان مربوط می‌شود»^۱ و یا به تعبیر حکیم نصیرالدین طوسی، دانش فقه به «کیفیت معاش،

انقلاب اسلامی ایران بر پایه نوع ویژه‌ای از نظام دانایی ایجاد شد و به تحقق نظام اسلامی انجامید. این نظام دانایی، برآمده از دانش‌های عقلی و نقلی مستقر در تمدن اسلامی بود که توسط عالمان، فقیهان، متکلمان و حکیمان، و در پرتو انوار نورانی وحی و معارف حضرات معصومین(ع) سامان یافته بود. در میان همه علوم اسلامی، دانش فقه، اهمیت و ارزش دوچندانی در انقلاب اسلامی داشته است؛ چراکه طرح مدیریت سیاسی - اجتماعی و وضع قوانین فردی و جمعی، براساس دانش فقه طراحی شده است و باید مسیر جامعه اسلامی را بر همان پایه ریل‌گذاری کرد.

دانش فقه در تمدن اسلامی، دانشی بنیانی و عهده‌دار بیان اعمال مکلفان و هنجارهای اجتماعی بوده است. با نگاهی به ادوار و اطوار فقه، این مطلب روشن می‌شود که دانش فقه متناسب با نیازهای مکلفان و تغییر موضوعات، با حفظ هویت معرفتی و روش فقه‌ای، به تعمیق بنیان‌های کلامی و اصولی و تکثیر مسائل و موضوعات متناسب با شرایط زمان و مکان روی آورده است.

اگر انسان موجودی اجتماعی و مدنی بالطبع است که اعمال و رفتارهایش در جامعه و در تناسب با هموعان



امروزه نمی‌توان از دین‌داری و انجام تکالیف شرعی و حکومت اسلامی سخن گفت، ولی مناسبات اجتماعی را لحاظ نکرد. از این رو رسالت حوزه‌های علمیه که مسند فقاهت شیعه را دارند، اقتضا می‌کند که به مسائل جدید و نظامات اجتماعی توجه جدی و اجتهادی داشته باشند و به مهم‌ترین نیازها و مسائل جامعه دینی، پاسخی مناسب و هماهنگ با اهداف و غایات شریعت اسلامی ارائه دهند. مقام معظم رهبری در این باره معتقدند:

نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است... نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان‌که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد... حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند؛ مشخص کنند؛ آنها را در اختیار بگذارند؛ برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون... حوزه علمیه، به خصوص حوزه علمیه قم، مادر این نظام است؛ به‌وجودآورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه می‌تواند از زاده خود، از فرزند خود غافل بماند؟ نسبت به او بی‌تفاوت باشد؟ در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست.^۷

اگر حوزه‌های علمیه به رسالت نظام‌سازی خود توجه نکنند، حوزه حاشیه‌نشین می‌شود و «حاشیه‌نشین شدن

راستی معاملات و انتظام امور معاش»^۲ توجه دارد. به تعبیر امام خمینی(ره) «فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان واجتماع، از گهواره تا گور است»^۳ و مقام معظم رهبری نیز معتقد است: «فقه مصطلح اسلامی، متضمن مجموعه کاملی از مباحثی است... و دارای عرصه‌های متنوعی است که مجموعاً متکفل تنظیم روابط میان افراد جامعه بشری است و نظامات و مقررات حاکم بر زندگی بشر از جهات گوناگون را شامل می‌شود».^۴ ایشان در جایی دیگر می‌گویند:

فقه به معنای خاص، یعنی آگاهی از علم دین و فروع دینی و استنباط وظایف فردی و اجتماعی انسان از مجموعه متون دینی، که خیلی هم مهم است. انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات احوالی دارد، و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست، و نیز شامل احوال اجتماعی و زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بقیه شئون اوست. تکلیف و سرنوشت همه اینها در فقه معلوم می‌شود.^۵

براین‌اساس دانش فقه با مدنیت انسان و زندگی اجتماعی او رابطه‌های تنگاتنگ دارد؛ به‌نحوی که هیچ‌گاه نمی‌توان میان آن دو به جدایی و تفرقه قائل شد؛ مگر آنکه یک طرف دچار اختلال شده باشد.

دانش فقه براساس استنباط از نصوص و اصول شریعت، وظیفه تشخیص احکام فردی و اجتماعی انسان را بر عهده دارد و به تعبیر شهید صدر هدف اجتهاد، تطبیق دادن تئوری اسلام با زندگی، اعم از حوزه فردی و تصرفات شخصی و حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و بنای جوامع انسانی است.^۶ براین‌اساس دانش فقه متناسب با تغییر موضوعات و پیچیده شدن افعال مکلفان و سازمان جوامع، تحول و توسعه یافته است. با رویکرد تاریخی می‌توان این تحول را از صدر اسلام تاکنون مشاهده کرد.

در زمانه‌ای که مادر آن قرار داریم، نیازهای انسان و سبک زندگی او تغییر گسترده‌ای کرده است و مناسبات بسیار پیچیده‌ای بر حیات اجتماعی بشریت سایه افکنده است. مناسبات اجتماعی نوین، به خصوصی‌ترین لایه‌های زندگی انسان نفوذ کرده و مسائلی جدید را پدید آورده است. به‌علاوه، این تغییرات گسترده و پیچیده، اعمال و زندگی انسان مسلمان را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و دین‌داری آنان را با دشواری‌هایی روبه‌رو ساخته است.

شهید صدر معتقد است فقه موجود در «تطبیق تئوری اسلام در حوزه فردی و رفتارها و تصرفات شخصی» به خوبی عمل کرده است؛ اما در عرصه دوم، یعنی «تطبیق آن در حوزه اجتماعی و بنای جوامع انسانی، براساس آن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی» نتوانسته است ورود مطلوبی داشته باشد. وی ریشه این معضل را نیز انزوای سیاسی و زیست به دور از عرصه‌های اجتماعی فقیهان شیعه می‌داند. بر این اساس راه احیای فقه، تجدید بنای حیات اجتماعی اسلامی است.

آینده آن، از زاویه هدف و چگونگی تأثیر آن بر کل حرکت اجتهاد، قابل مطالعه و بررسی است. به نظر او فقه موجود در «تطبیق تئوری اسلام در حوزه فردی و رفتارها و تصرفات شخصی» به خوبی عمل کرده است؛ اما در عرصه دوم، یعنی «تطبیق آن در حوزه اجتماعی و بنای جوامع انسانی، براساس آن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی» نتوانسته است ورود مطلوبی داشته باشد. وی ریشه این معضل را نیز انزوای سیاسی و زیست به دور از عرصه‌های اجتماعی فقیهان شیعه می‌داند. بر این اساس راه احیای فقه، تجدید بنای حیات اجتماعی اسلامی است. روند حرکت اجتهاد معاصر دریافته است که جنبه فردی دیدگاه‌های اسلام درباره زندگی، ارتباط مستحکمی با جنبه اجتماعی آن دارد. به بیان شهید صدر:

هر قدر که رسالت راستین اسلام در زندگی و وجهه همت قرار بگیرد و حرکت اجتهاد شیعه با چنین رسالتی هماهنگ گردد، همپای آن، شاهد تحول و گسترده‌گی اهداف اجتهاد، در جهت تطبیق هر چه بیشتر دیدگاه‌ها با عرصه‌های اجتماعی خواهیم بود.^{۱۰}

به اعتقاد شهید صدر، انزوای سیاسی شیعه و زیست به دور از اجتماع دانش فقه، نگرش فردگرایانه را بر فقه و ذهن فقیه مسلط کرده است؛ به گونه‌ای که فقها شریعت را نیز از روزه فردیت می‌نگریستند. رفته رفته فقیه بر جنبه‌های شخصی فقه تکیه بیشتری می‌کرد و

حوزه علمیه قم و هر حوزه علمیه دیگری به حذف شدن می‌انجامد.^۸ از آنجاکه محور علوم حوزوی و اسلامی فقه است، برکنار ماندن فقه از فرایند نظام‌سازی، مدیریت روندهای اجتماعی، مشارکت در مهندسی و تدوین الگوهای رفتاری مناسب، موجب خسارت تاریخی و از دست رفتن این فرصت استثنایی می‌شود.

فقه آمده است تا مصالح نظام معاش و معاد انسان را به نحوی مدیریت کند که کمال و سعادت ابدی و عزت و کرامت مسلمین را در مناسبات اجتماعی داخلی و بین‌المللی تأمین کند. بر این اساس دانش فقه نسبتی تنگاتنگ با حیات اجتماعی انسان و جامعه دارد؛ اما متأسفانه از ظرفیت عظیم فقه شیعی در ساخت نظامات اجتماعی بهره‌چندانی گرفته نشده است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

به جز در احوال شخصی و نیز در آنچه مربوط به فرد مسلمان است، فقه اسلامی و از جمله فقه شیعی، در طول قرن‌ها، مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفته است. پس از تشکیل جمهوری اسلامی، فقه شیعه یکسره در معرض عمل جامعه ایرانی است... با این همه هنوز توان عظیم فقه، در گره‌گشایی معضلات زندگی و حل نقاط کور در مناسبات اسلامی فرد و جامعه، به کار گرفته نشده و بعضاً شناخته نشده است. پدیده‌های روزبه‌روز زندگی در مقام استفهام و استفتا از فقه اسلامی، طبعاً باید به پاسخی قانع‌کننده و حکمی قابل استدلال برسد.^۹

عوامل تعیین‌کننده در تحول فقه

شهید سیدمحمدباقر صدر به درستی یادآور می‌شود که تحول در فقه، از دو لحاظ ممکن است: ۱. عامل هدف؛ ۲. عامل فن و روش. مقصود از عامل هدف، همان نتیجه و اثری است که از اجتهاد انتظار می‌رود و مجتهدان در صدد تحقق بخشیدن به آن در صحنه زندگی‌اند. مقصود از عامل فن، میزان عمق و پیچیدگی در شیوه استدلال است که در مراحل مختلف اجتهاد تحول می‌پذیرد. به نظر وی با تحول و دگرگونی این دو عامل، آهنگ اجتهاد نیز دستخوش تغییر می‌گردد. او معتقد است که نقش عامل هدف بسیار مهم و اساسی است و بنیادهای حرکت اجتهاد معاصر و جهت‌گیری‌های

بدین ترتیب موضوعات اجتماعی متروک ماندند. به نظر شهید صدر «یکی از پیامدهای رسوخ دیدگاه فردی، بروز نوعی سمت‌گیری کلی در اندیشه فقهی است که مدام برای حل مشکل فرد مسلمان تلاش می‌کند و با توجیه و تصحیح انگیزه‌های او، می‌خواهد به هر شکل، ضوابط شریعت را بر آن منطبق سازد»^{۱۱}.
مقام معظم رهبری نیز این نکته را بدین‌گونه یادآور می‌شوند:

فقه‌های شیعه، در این مورد تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. شیعه، حکومت نداشته است. فقه شیعه، نمی‌خواسته است جامعه سیاسی را اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است که جهاد بخواند آن حکومت را اداره کند و احکامش را از کتاب و سنت استنباط نماید. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود؛ فقهی که برای اداره امور دینی یک فرد، یا حداکثر دایره‌های محدودی از زندگی اجتماعی، مثل مسائل مربوط به خانواده و امثال آن کاربرد داشت.^{۱۲}

اما به‌هرحال اگر فقه بخواند نقش اساسی خود را در جامعه داشته باشد، ادامه این وضعیت برای آن، نه ممکن است و نه جامعه جدید از آن راضی خواهد بود؛ بلکه روند آینده اجتهاد باید به سمت توجه به همه صحنه‌های زندگی انسان در همه سطوح کلان و خرد باشد. به بیان شهید صدر:

روند آینده اجتهاد، حاصل تحول و دگرگونی اهداف آن است که آن را از یک حرکت اجتماعی منزوی و متروک به تحرکی جهادی که در پی عرضه کامل اسلام است، مبدل می‌سازد و در همه صحنه‌های زندگی جای می‌دهد.^{۱۳}

تحول و توسعه در اجتهاد با توجه به رسالت کلان شریعت و اهداف جامع آن، نسبتی با تغییرات موضوعات و پیچیدگی افعال مکلفان و مناسبات اجتماعی دارد. براین‌اساس شناخت «عصر جدید» و مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن، یک بایسته مهم در مسیر اجتهاد است.

حقیقتاً در «عصر جدید» وضعیت و نسبت عالم و آدم تغییر یافته است و مسائلی برای بشریت پیش آمده است که کمتر می‌توان نمونه آن را در سده‌های گذشته مشاهده کرد. روابط انسانی، تعاملات مدنی، سازماندهی

اجتماعی و انتظام نظام معاش، دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده است. ماهیت «جامعه» عناصر جامعه‌ساز و لوازم سعادت و تعالی در جهان جدید تغییر کرده و از پیچیدگی‌ها و لایه‌های گوناگونی برخوردار شده است. حقوق، تکالیف و قانون شأنیت نوینی یافته‌اند و نظامات اجتماعی جدیدی را فراهم آورده‌اند. در چنین موقعیتی، دانش فقه نقشی تعیین‌کننده در سامان‌بخشی به جامعه اسلامی و رسالت تاریخی مسلمین دارد؛ چراکه عهده‌دار تعیین حقوق و تکالیف و وضع قوانین فرد و جامعه اسلامی است. البته فقه و فقهی می‌تواند عهده‌دار چنین نقشی باشد که مناسبات اجتماعی را درست بشناسد و در مقام مدیریت جامعه، به تولید فکر و تربیت نیرو بپردازد؛ و گر نه رسیدن به جامعه‌سازی و تمدن اسلامی، امری تخیلی می‌گردد و انحطاط جوامع اسلامی استمرار می‌یابد. امام خمینی فرمود:

مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته‌شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است.^{۱۴}

مناسبات فقه و جامعه

امروزه سعادت و شقاوت افراد و افعال مکلفان بیش از هر زمانی به جامعه و اجتماع انسانی گره خورده است. به همین سبب بسیاری از کنش‌های افراد از حالت فردی خارج شده و به کنش‌های جمعی و گروهی تبدیل یافته است. همچنین جامعه نیز دارای هویت تأثیرگذار بر هویت و کنش افراد است و از پیچیدگی‌ها و نهادهایی مختلف برخوردار است؛ به‌نحوی که امروزه با افعال و تکالیف نهادها و سازمان‌های اجتماعی روبه‌رویم. بنابراین فقه شیعه دست‌کم از چهار جهت با جامعه ارتباط دارد:

۱. تأثیر مناسبات اجتماعی در نحوه شکل‌گیری و

چگونگی رفتار مکلفان؛

۲. تکالیف مکلفان در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی، مانند: حکومت، انقلاب، آسیب‌های اجتماعی، انتخابات، جنگ و جهاد؛

۳. امکان انجام بسیاری از تکالیف به صورت جمعی و گروهی؛

۴. قرار داشتن برخی از تکالیف و احکام شرعی برعهده نهادها و سازمان‌های اجتماعی به‌طور مستقیم، با توجه به اینکه افراد در ذیل آن نهادها و سازمان‌ها رفتار می‌کنند.

براین اساس شناخت جامعه و بیان احکام کنش‌های جمعی و گروهی افراد و رفتارها و تکالیف نهاد و سازمان‌های اجتماعی، یک ضرورت تاریخی و معرفتی برای تحول و رشد دانش فقه است و با توجه به آنکه بحث از افعال مکلفان به سبب متعلق احکام شرعی بر عهده

فقه است،^{۱۵} دانش فقه باید به افعال و تکالیف اجتماعی توجه جدی داشته باشد. شهید صدر از جمله متفکرانی است که بر پیوند اجتهاد فقهی با اجتماع تأکید دارد و معتقد است که در پی مشکلاتی که در سده اخیر برای جوامع اسلامی پیش آمد و بر اثر تهدیدات فکری، فرهنگی و نظامی استعمار کافر که کیان اسلام و امت را تهدید می‌کرد، حرکت اجتهاد بدان سمت و سوزورفته که جنبه‌های فردی زندگی انسان، ارتباط مستحکمی با جنبه‌های اجتماعی آن دارد. وی می‌نویسد: «در خلال این درگیری‌ها و مقاومت‌ها، حرکت اجتهاد دریافت که جنبه فردی دیدگاه‌های اسلام درباره زندگی ارتباط مستحکمی با جنبه اجتماعی آن دارد؛ زیرا با پس‌زدگی وجهه اجتماعی، جنبه فردی نیز کم‌کم به عقب‌نشینی دچار گردید».

شهید صدر ادامه می‌دهد که به سبب سستی بنیان‌های تحمیلی استعمارگران، حرکت اجتهاد بر این مطلب مهم تأکید کرد که:

«اسلام، مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر است و جداسازی حوزة فردی از اجتماعی و حتی نگهداری آن با فروگذاری دیگری ممکن نیست. این عوامل، زمینه‌ساز تبدیل حرکت اجتهاد شیعه، به مبارزه‌ای در راه حمایت از اسلام و تحکیم پایه‌های آن، و نیرویی خواستار اجرای اسلام در همه عرصه‌های زندگی گردید».^{۱۶}

شهید صدر در ادامه معتقد است که امروزه باید به رشد و تحول افقی و کمی فقه، و نیز به مسائل و مشکلات جدید بشر توجه جدی کرد. به نظر وی این هدف، صرفاً با چاپ مجدد کتب فقها و تبدیل زبان آنها به زبان جدید محقق نمی‌شود، بلکه لازم است در ساختمان فقه براساس عالم جدید و مسائل آن تحولی صورت گیرد و راه‌حلی اساسی در این زمینه ارائه شود؛ مسائلی که مکاتب بشری امروز از پاسخ صحیح به آن درمانده‌اند.

براین اساس نیاز به تحول و تکامل فقه شیعی بیش از هر زمانی احساس می‌شود و نیازمند کوشش‌هایی است که به تبیین نظام حکومت، اقتصاد و دیگر مباحث اجتماعی در اسلام منتهی شود. در این تحول و تکامل، باید ذهنیت فقیه از توجه به فرد و «تشریح برای فرد» به سمت «تشریح برای جامعه» و بنیاد نظام زندگی آن منتقل شود.^{۱۷}

تحقق این رسالت فقه در دنیای معاصر، در مرحله نخست منوط به تدوین «فقه الاجتماع» به صورت کلان است تا فقه بر تصور درستی از کلیت اجتماع، مناسبات اجتماعی و عناصر و احکام عام آن و به تعبیر شهید صدر «تنظیم روابط عام اجتماعی»^{۱۸} استوار شود. فقه الاجتماع نقش بنیانی و محوری برای دیگر فقه‌های اجتماعی همچون سیاست، اقتصاد و فرهنگ دارد؛ زیرا تا ماهیت اجتماع و احکام عام آن و نسبت فرد و جامعه و جایگاه افراد و نهادهای اجتماعی در اجتماع روشن نشود، پرداختن به دیگر عرصه‌های اجتماعی بی‌پایه و بنیان خواهد بود و تبیین مسائل و پدیده‌ها روشن نخواهد شد. جایگاه فقه الاجتماع در اجتهاد به‌گونه‌ای است که وجودش موجب اعتلای فقه و جامعه اسلامی و غفلت و فقدان آن موجب انحطاط مسلمین و جامعه اسلامی می‌گردد.

بحمدالله بسیاری از مدرسان و محققان دانش فقه، به

سمت تولید فقه‌های اجتماعی مانند فقه سیاسی، فقه اقتصادی و فقه رسانه حرکت کرده‌اند و تلاش‌های قابل احترامی را در این عرصه انجام می‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد این اقدامات هنگامی تأثیر کاملی خواهند داشت که «فقه الاجتماع» کلان تولید شود.

مسیر دستیابی به عرصه کاملاً جدی و جدید فقه الاجتماع، به‌ویژه با حفظ روش دقیق و عمیق فقه‌ای و اجتهادی، مسیری صعب و نارفته است؛ اما نمی‌توان همچنان سکوت کرد و منتظر ماند تا شاید معجزه‌ای صورت گیرد؛ بلکه باید همچون فقهای نوآور و شجاع تاریخ تشیع، با توکل به خداوند سبحان (جل شأنه) و استمداد از حضرات معصومین (علیهم السلام) و تمسک به کتاب و سنت، طرحی نو در افکند و ادبیات تحقیقی و اجتهادی مورد نیاز این عرصه را تولید و به جامعه علمی عرضه کرد.

مراحل دستیابی به فقه الاجتماع از منظر استاد مطهری

از جمله کسانی که در بحث روش‌شناسی فقه‌های تخصصی نظریه‌پردازی کرده‌اند، استاد شهید مرتضی مطهری است. استاد مطهری معتقد است:

دین منحصر به احکام نیست. یا باید توحید و معارف و اخلاقیات و اجتماعیات را از دین خارج کنیم و یا درباره آنها روش اخباریین را در احکام پیش بگیریم تا این حصر درست از آب درآید. نه می‌توانیم آنها را از دین خارج کنیم و نه می‌توانیم راه اخباریین و ظاهریین را در این قسمت‌ها پیش بگیریم.^{۱۹} بلکه باید تفقه عمیق را برای استنباط این مسائل به کار گیریم. ایشان سه مرحله را برای تولید این نوع از فقهات پیشنهاد می‌دهد:

۱. بصیرت در دین، درک و فهم درس‌های اسلامی است و این متوقف است به اینکه ما بتوانیم ایمان پیدا کنیم اسلام واقعاً یک سلسله درس‌ها داشته است... این مرتبه از تفقه ملازم است با داشتن یک سلسله معارف در الهیات و اخلاقیات و اجتماعیات؛^{۲۰}

۲. مرحله دیگر تفقه همان است که فقها دارند، یعنی مدالیل ادله و مفاهیم الفاظ را با روشی دقیق فهم می‌کنند که ما آن را «فقه الاستنباط» نامیدیم. این مرتبه از تفقه ملازم است با آگاهی کامل از محاورات عرفیه و تعبیرات قانونی و یک سلسله قوانین عقلی در ملازمات

و غیره؛^{۲۱} ۳. مرحله سوم از تفقه در دین این است که ما اجمالاً به دست آوریم اسلام چه هدف‌هایی درباره انسان و اجتماع دارد و چه وسایلی برای رسیدن به این هدف‌ها انتخاب کرده است. در این مرحله اولاً باید میان هدف‌ها و وسایل فرق بگذاریم... و ثانیاً باید خود هدف‌ها را از لحاظ سبک و سنگینی و به تعبیر فقها از لحاظ اهمیت و مهمیت و باب تراحم به دست آوریم. در این قسمت نیز خود اسلام ما را راهنمایی کرده است... آشنایی به فلسفه احکام نیز نوعی بصیرت در دین ایجاد می‌کند به شرط آنکه در آن افراط نشود، و ضمناً درجه اهمیت را نشان می‌دهد.

به نظر استاد مطهری «مرحله سوم فوق‌العاده اهمیت دارد و این مرحله است که اثر اجتماعی فوق‌العاده دارد. غفلت از این جهت است که مسلمین را به انحطاط کشانده و توجه به این جهت است که مسلمین را به

سوی اعتلا می‌برد».

استاد مطهری در یک جمع‌بندی از کارهای انجام‌شده می‌نویسد:

مرحله اول در اسلام پیشروی‌هایی ارزنده داشته است؛ البته در خصوص اصول عقاید، ولی آنها جنبه فردی داشته است. لهذا معارف اسلامی گنجینه‌گرانهایی است. کسانی امثال صدرا در این جهت به مقامات شامخی رسیده‌اند؛ ولی در مرحله دوم هم کارهایی شده، هرچند کافی و کامل نیست؛ ولی در مرحله سوم کاری صورت نگرفته است.^{۲۲}

تأملات روشی شهید صدر

از جمله فقه‌های عالی مقام و معاصر تشیع، آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر است که در باب روش‌شناسی تحول در فقه، مطالب درخور توجهی ارائه داده است. این مطالب برای تأسیس فقه‌های تخصصی، بسیار ضروری و راهگشا هستند. چنان‌که گذشت، شهید صدر تحول در فقه را محصول توجه به اهداف و روش می‌داند. وی همچنین تحول در فقه را در دو سطح کیفی و کمی، یا عمودی و افقی طرح می‌کند.

به نظر شهید صدر تلاش فقهای اسلام به‌ویژه در دو سده اخیر، معطوف به تطور کیفی و تعمیق اسالیب استنباط و دقت تفکر فقهی بوده که اعجاب‌آور است؛

پس از آنکه واقعیات عصر جدید و نیازهای جدید مردم شناسایی شد و موضوع شناسی دقیقی در اطراف آن صورت گرفت و به قرآن عرضه شد، در بسیاری از موارد به رشد عمودی و تعمیق بنیان‌های فقهی نیاز پیدا می‌شود تا براساس نظریه‌هایی جدید به مسائل جدید پاسخ داده شود. شهید صدر در این زمینه معتقد است: از لحاظ عمودی نیز باید همین روش موضوعی در فقه مورد تعقیب واقع شود تا دامنه تحقیقات فقهی نفوذ و گسترش پیدا کند؛ یعنی باید بیشتر در ژرفای مسائل فقهی فرو رفته، به‌طور عمودی کار شود تا نظریه‌های اساسی در فقه کشف گردد.

مباحث تفسیر موضوعی به‌اجمال توضیح داده است که لب آن بدین قرار است:

۱. مطالعه واقعیات‌های زندگی و نیازهای مردم

از نظر شهید صدر، رشد کمی فقه از مواجهه مستقیم فقیه با واقعیات‌های زندگی و نیازهای مردم آغاز می‌شود. ایشان می‌گوید:

علمای ما در طول قرن‌های متمادی پیوسته تحقیقات خود را براساس روش موضوعی انجام می‌دادند، و با همت والای خود کلیه نیازهای واقعی بشر را از جهان خارج گرفته، حکم آن را از شرع استنباط می‌نمودند؛ ولی از آنجاکه ابعاد زندگی انسان با گذشت زمان و پیچیدگی تمدن، رو به فزونی نهاده، لازم است پژوهش‌های موضوعی فقهی نیز همراه با گسترش نیازهای زندگی، آن را تعقیب کند و مسائل خود در این زمینه را گسترش دهد. با این توضیح، کار تحقیق مسائل فقهی از واقعیات‌های عینی شروع می‌شود؛ منتها نه با آن محدودیت‌هایی که در زمان شیخ طوسی یا محقق حلی - اعلی الله مقامهما - بود؛ زیرا واقعیات‌های زندگی آنها فقط می‌توانست نیازهای زمان خود آنها را کفایت کند و برای زمان ما مسائل آن زمان کافی نیست. مثلاً معاملاتی از قبیل اجاره، مزارعه، مساقات و مضاربه نشان‌دهنده بازار هزار سال یا هشتصد سال پیش است؛ حال آنکه درهای بازار امروز به روی معاملات دیگر و انواع روابط اقتصادی جدید گشوده شده و در این زمینه پیچیدگی

اما از لحاظ کمی، تطور کمتری داشته است؛ بلکه فقه در دو قرن اخیر به همان مسائلی می‌پردازد که نزدیک به هزار سال است به آنها پرداخته است. به‌عبارت‌دیگر فقه به مسائل و مشکلات عالم گذشته پاسخ می‌دهد و آنها را معالجه می‌کند. از این‌رو تحول و رشد کمی و افقی چندانی نداشته و به همین سبب از پاسخ به بسیاری از مشکلات امروز جهان و انجام رسالت اساسی خود بازمانده است.^{۲۳}

شهید صدر در ادامه معتقد است که امروزه باید به رشد و تحول افقی و کمی فقه، و نیز به مسائل و مشکلات جدید بشر توجه جدی کرد. به نظر وی این هدف، صرفاً با چاپ مجدد کتب فقه و تبدیل زبان آنها به زبان جدید محقق نمی‌شود،

بلکه لازم است در ساختمان فقه براساس عالم جدید و مسائل آن تحولی صورت گیرد و راه‌حلی اساسی در این زمینه ارائه شود؛ مسائلی که مکاتب بشری امروز از پاسخ صحیح به آن درمانده‌اند. وی یادآور می‌شود که رشد و توسعه کمی به معنای بی‌نیازی از رشد کیفی و مباحثات عمیق در بنیان‌های فقه نیست؛ بلکه ناظر به رشد کمی، می‌باید به رشد کیفی نیز توجه کرد.^{۲۴}

به نظر شهید صدر، با توجه به تحولات گسترده در عالم جدید بشریت، مباحث بسیاری مطرح می‌شوند که جایشان در فقه خالی است و فقه با سبب تبعیت از روش گذشتگان به آنها نپرداخته‌اند؛ درحالی‌که باید به این مباحث توجه ویژه کرد و خلأهای فقه را پر نمود. وی یادآور می‌شود که این یک کار فقهی سنگین و بسیار دشوار است؛ چراکه عمده‌تاً به مسائل بکری پرداخته می‌شود که برای نخستین بار در فقه مطرح می‌گردند. از این‌رو کسی می‌تواند وارد این عرصه شود که از درجه عالی فقاقت و ذهنیت و دقت فقهی برخوردار باشد؛ یعنی به سطح عمومی و کیفی فقه مسلط باشد. به نظر شهید صدر، این رشد و تطور کمی و کیفی، مهم‌ترین ابزار برای اکتساب قدرت اجتماعی و مشارکت در تحقق اهداف بزرگ شریعت اسلامی است.^{۲۵}

محقق صدر به این اندازه بسنده نکرده و روش شناسی ویژه‌ای را برای انجام این رسالت پیشنهاد داده است و خود، آن را در مباحث نظام اقتصادی به‌کار گرفته است. صدر این روش را که «روش موضوعی» می‌نامد، در

در معاملات و روابط اقتصادی پدید آمده است. فقه امروز باید همان‌گونه که در دست آن دانشمندان گذشته عمل می‌شد، یعنی هر چه در زندگی‌شان پدید می‌آمد، فقه روی آن عکس‌العمل نشان می‌داد تا حکمش را از دین استخراج کند، در دست دانشمندان زمان ما نیز باید به‌طور افقی مسائل روزمره را مورد تحقیق و بررسی قرار داده، حکم آن از اصول کلی اسلام استنباط گردد تا از لحاظ افقی نیز گسترش لازم را پیدا کند.^{۲۶}

۲. موضوع‌شناسی

موضوع‌شناسی از طریق تأملات جدی فقیه و توجه به تحقیقات دانشمندان قدیم و جدید در پاسخ به مسائل جدید ممکن است.

مفسر توحیدی یا موضوعی قبل از اینکه بخواهد به یکی از موضوعات زندگی، یا ایدئولوژی یا اجتماعی و جهانی دست یازد، باید روی آن موضوع دقت و تمرکز ذهن به حد کافی مبذول داشته، از تجارب و اندیشه‌های دیگران - تا آنجا که این اندیشه‌ها بتوانند راهگشایی کند - قبلاً مطالبی ببیند و از مشکلات و راه‌حلی‌هایی که اندیشه انسانی مطرح کرده چیزهایی بداند؛ از پرسش‌هایی که «روش تطبیق تاریخی» مطرح می‌کند معلوماتی بداند و سرانجام از خلأهای موجود باخبر باشد. وقتی با این آگاهی‌های قبلی آیه قرآن را بررسی کند، دیگر تنها شنونده‌ای جامد و گزارش‌گری بی‌تلاش نیست، بلکه برای طرح مسئله در برابر قرآن به‌عنوان یک موضوع عرضه‌شده که با اندیشه‌ها و مطالعات وسیع بشری سروکار دارد، گفت‌وگوی خود را با متن قرآن آغاز می‌کند. مفسر می‌پرسد و قرآن پاسخ می‌دهد. مفسر در پرتو مجموعه تجاربی که از بررسی‌ها و کاوش‌های بشری‌اش اندوخته است می‌کوشد تا نظر قرآن را درباره آن موضوع به دست آورد و با مقایسه متن قرآن با فراگرفته‌هایش از افکار و بینش‌هایی که به هم رسانده، نظر قرآن را می‌فهمد.^{۲۷}

۳. استنطاق منابع

شهید صدر سپس به لزوم عرضه آن مسئله جدید به قرآن و منابع دینی اشاره می‌کند. به نظر او، این کار واکنشی منفی و به معنای تأثیرپذیری در مقابل منابع دینی نیست؛ بلکه عملی است فعال و هدفمند، که در نتیجه آن متن

قرآن و حدیث در یکی از حقایق بزرگ زندگی به کار گرفته می‌شود. وی با الهام از کلام امیرالمؤمنین (ع) که فرمود: «ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولكن اخبارکم عنه الا انّ فیہ علم ما یأتی والحديث عن الماضي ودواء داءکم ونظم ما بینکم»،^{۲۸} تعبیر استنطاق را لطیف‌ترین تعبیر برای روش موضوعی می‌داند که به گفت‌وگو با قرآن و طرح مشکلات مربوط به هر موضوع برای دستیابی به پاسخ قرآن می‌انجامد.^{۲۹} در این مرحله، واقعیت‌های زندگی به قرآن عرضه می‌شود؛ زیرا قرآن ولیّ ما، سرپرست ما و پناهگاهی است که باید واقعیت‌های زندگی را در پرتو راهنمایی‌هایش رهبری کرد.^{۳۰}

۴. رشد و توسعه عمودی فقه و ضرورت «نظریه‌سازی»
پس از آنکه واقعیات عصر جدید و نیازهای جدید مردم شناسایی شد و موضوع‌شناسی دقیقی در اطراف آن صورت گرفت و به قرآن عرضه شد، در بسیاری از موارد به رشد عمودی و تعمیق بنیان‌های فقهی نیاز پیدا می‌شود تا براساس نظریه‌هایی جدید به مسائل جدید پاسخ داده شود. شهید صدر در این زمینه معتقد است: از لحاظ عمودی نیز باید همین روش موضوعی در فقه مورد تعقیب واقع شود تا دامنه تحقیقات فقهی نفوذ و گسترش پیدا کند؛ یعنی باید بیشتر در ژرفای مسائل فقهی فرو رفته، به‌طور عمودی کار شود تا نظریه‌های اساسی در فقه کشف گردد. باید بناهای بلند بر بنیادهای فقهی بنا شود، و قوانین به تفصیل پیاده گردد. باید در این قانون‌هایی که وضع می‌شود دید اسلام در آنها منعکس گردد؛ زیرا ما می‌دانیم هر مجموعه‌ای از این قوانین اسلامی در هریک از ابواب زندگی به نظریه‌های اساسی همچون تکامل و رشد بنیادی انسان مرتبط است که در احکام و قانون‌گذاری اسلام، در مکتب اقتصادی اسلام، در احکام ازدواج و طلاق اسلام منعکس می‌باشد. [...] این نظریات اساسی و زیربنایی است که پایه‌های احکام روئینایی را می‌سازد. بدون شک در این مبانی نیز باید دقت به عمل آورد. نباید این مبانی را به‌عنوان اندیشه‌های نامربوط به فقه تلقی کرد. اینها تنوع ادبیات نیست، بلکه باید به‌عنوان ضرورت از آنها یاد کرد و تا آنجا که در خور قدرت بشری است باید این اسرار را کشف نمود.^{۳۱}

پیشنهادهای آیت‌الله خامنه‌ای

مقام معظم رهبری نیز از جمله فقیهان شیعه است که به پیشرفت و تحول فقه توجه دارند. ایشان نیز همچون شهید صدر به دو نوع پیشرفت در فقه اشاره می‌کند: «فقه و فقهات باید در حوزه‌ها پیشرفت بکند. این پیشرفت، هم از لحاظ عمق است، و هم از لحاظ سعه و فراگیری مسائل زندگی».^{۳۲}

به نظر مقام معظم رهبری، فقه شیعه در عین داشتن غنای عظیم محتوایی و ظرافت‌های مستحکم در استدلال، نیازمند تکمیل و توسعه است: «ما باید به فقه وسعت بدهیم؛ یعنی فقه ما باید از لحاظ سعه سطح فقهات پیشرفت کند و همه مسائل زندگی را شامل بشود. امروز

خیلی از مسائل هست که از لحاظ فقهی برای ما روشن نیست»؛^{۳۳} چراکه «با پیشرفت فنی و صنعتی و علمی بشر که بر روی همه شئون زندگی وی اثر گذارده و سرعت حوادث و پدیده‌های نوین را نسبت به روزگار گذشته چندین و چند برابر کرده است. تعداد موضوعاتی که در معرض پاسخ‌گویی فقه قرار می‌گیرند و فقه باید حکم شرعی آنها را بیان کند نیز به همین نسبت افزایش می‌یابد».^{۳۴}

آیت‌الله خامنه‌ای برای توانمندسازی فقه به پاسخ‌گویی به این پرسش‌های جدید چند پیشنهاد ارائه می‌دهد:

۱. موضوع‌شناسی

بی‌شک سرچشمه‌های فقه و نیز شیوه فقهات برای فهم حکم این موضوعات کافی است؛ ولی شناخت موضوعی آنها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع با عناوین کلی در فقه و استدلال مناسب و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی آن، کاری مهم و راهی دراز است.^{۳۵}

۲. عرضه مفاهیم جدید فقهی

همچنین ای بسا موضوعاتی که در فقه مطرح گشته و حکم آن واضح است ولی امروزه، موضوع چنان تحول و تطوری یافته که به آسانی نمی‌توان حکم آن را از آنچه در گذشته گفته شده است دانست... در چنین مواردی است که فقهای عصر باید با روشن‌بینی و احاطه علمی

از جمله کسانی که در بحث روش‌شناسی فقه‌های تخصصی نظریه‌پردازی کرده‌اند، استاد شهید مرتضی مطهری است. استاد مطهری معتقد است:

دین منحصر به احکام نیست. یا باید توحید و معارف و اخلاقیات و اجتماعیات را از دین خارج کنیم و یا درباره آنها روش اخباریین را در احکام پیش بگیریم تا این حصر درست از آب در آید. نه می‌توانیم آنها را از دین خارج کنیم و نه می‌توانیم راه اخباریین و ظاهریین را در این قسمت‌ها پیش بگیریم. بلکه باید تفقه عمیق را برای استنباط این مسائل به کار گیریم.

و پابندی به روش فقهات از یک‌سو، و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدیدی را در فقه، کشف کرده و احکام تازه‌ای را با استناد به کتاب و سنت، عرضه کنند.^{۳۶}

۳. تقویت و تعمیق روش فقهات

این مرحله را می‌توان پیشرفت عمقی فقه در روش فقهات دانست:

ما باید به فقه عمق ببخشیم. از سطحی‌نگری در فقه بایستی پرهیز بشود. امروز فقه ما باید از فقه زمان شیخ و شاگردان شیخ و شاگردان شاگردان شیخ - که بزرگان دوره ماقبل ما هستند - عمیق‌تر باشد. در مسائل، ما به هیچ وجه نباید سطحی فکر کنیم. باید به فقه پیچیدگی و عمق ببخشیم.^{۳۷}

این همان معنای فقه پویاست: «فقه پویا، همان فقه سنتی ماست. پویاست، یعنی علاج‌کننده مشکلات انسان و پاسخ‌گوی حوادث واقعه است؛ و سنتی است، یعنی دارای شیوه و متدی است که بر طبق آن اجتهاد انجام می‌گیرد».^{۳۸} ایشان درباره تحول در روش فقهات بر این نظر است:

چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم را نکنیم، تا راه‌هایی را برای اداره زندگی پیدا نماییم؟ پس، هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید، و هم از لحاظ روش. همین روش فقهاتی که عرض شد، احتیاج به تهذیب، نوآوری

و پیشرفت دارد. باید فکرهای نو روی آن کار بکنند، تا اینکه بشود کارایی بیشتری به آن داد.^{۳۹}

۴. استفاد از روش‌های جدید تحقیق

استفاده از سبک‌های نوین در تدوین و نگارش کتب و رساله‌های فقهی، عمومی و تخصصی، و نیز از روش‌های تحقیق فنی و علمی جدید و حتی استفاده از روش‌های پیشرفته بحث علمی و به کار بردن ابزارهایی که امروز در تسهیل کار علمی دارای سهم مؤثری است.^{۴۰} ■

پی‌نوشت

* دانش‌آموخته خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

۱۷. همان، ص ۳۳.
۱۸. همان، ص ۳۵.
۱۹. مرتضی مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۲، ص ۲۳۳.
۲۰. همان، ص ۲۳۴.
۲۱. همان.
۲۲. همان، ص ۲۳۵.
۲۳. محمدباقر صدر، ومضات (مجموعه من مقالات ومحاضرات و وثائق)، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۹.
۲۴. همان، ص ۳۸۰.
۲۵. همان، ص ۳۸۲.
۲۶. محمدباقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی، تهران، تفاهم، ۱۳۸۱، ص ۳۸-۳۹.
۲۷. همان، ص ۳۲.
۲۸. «شما این قرآن را به سخن آورید. قرآن هیچ‌گاه سخن نمی‌گوید؛ ولی من از قرآن به شما خبر می‌دهم. بدانید قرآن دانش آینده، و اخبار گذشته است. داروی دردهای شما قرآن است و این قرآن است که امور شما را به هم مربوط و با هم منظم می‌سازد».
۲۹. محمدباقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۳۳.
۳۰. همان، ص ۳۴.
۳۱. همان، ص ۳۹.
۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۳۴. پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی تخصصی دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۳.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۳۸. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۱۳۳۷/۴/۲۰.
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۴۰. پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی تخصصی دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۳.
۱۷. همان، ص ۳۳.
۱۸. همان، ص ۳۵.
۱۹. مرتضی مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۲، ص ۲۳۳.
۲۰. همان، ص ۲۳۴.
۲۱. همان.
۲۲. همان، ص ۲۳۵.
۲۳. محمدباقر صدر، ومضات (مجموعه من مقالات ومحاضرات و وثائق)، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۹.
۲۴. همان، ص ۳۸۰.
۲۵. همان، ص ۳۸۲.
۲۶. محمدباقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی، تهران، تفاهم، ۱۳۸۱، ص ۳۸-۳۹.
۲۷. همان، ص ۳۲.
۲۸. «شما این قرآن را به سخن آورید. قرآن هیچ‌گاه سخن نمی‌گوید؛ ولی من از قرآن به شما خبر می‌دهم. بدانید قرآن دانش آینده، و اخبار گذشته است. داروی دردهای شما قرآن است و این قرآن است که امور شما را به هم مربوط و با هم منظم می‌سازد».
۲۹. محمدباقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۳۳.
۳۰. همان، ص ۳۴.
۳۱. همان، ص ۳۹.
۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۳۴. پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی تخصصی دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۳.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۳۸. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۱۳۳۷/۴/۲۰.
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۱.
۴۰. پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی تخصصی دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۳.

